بسم‌اللّٰه الرّحمن الرّحیم

 اَلحَمدُ لِلِه رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللهُ عَلی سَیِّدِنا وَ نَبِیِّنا وَ حَبیبِ اِلهِنا اَبِی‌القاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلّی اللهُ عَلَیْهِ وَ عَلی آلِهِ الطّاهِرِینَ سِیَّما بَقِیَّةُ اللهِ الاَعظَم مَولانَا حُجَّةِ ِبنِ الحَسَن عجّلَ الله تَعالی فَرَجَهُ وَ لَعنَةُ اللهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ اِلی قِیامِ یَومِ الدّین

زنی در حال عده بوده عدۀ طلاق مرد دیگری رفته در همون ایام عده از او خواستگاری کرده که بعد از انقضاء عده با او ازدواج کند و مذاکرات هم کردند مهر هم معین شده یک مقدار از مهر هم به او پرداخته و بعد از انقضاء عده با او ازدواج کرده حالا سوال کرده اند گفته اند که این بر من حرام شده به این کیفیت که ازدواج من با او باطل بوده.عرض می‌کنم که خواستگاری در ایام عده بفرمودۀ آقایان فقها این چند جور هست گاهی تصریحا خواستگاری می‌کند گاهی تعریضا.گاهی صریحا بهش میگه که بیا با هم ازدواج کنیم مثلا بعد از انقضاء عده با هم زن و شوهر باشیم این میشه خواستگاری تصریحی.این حرامه یعنی تا زن در حال عده است عدۀ دیگری هست حالا عدۀ طلاق عدۀ وفات هرچه مادامی که در حال عدۀ دیگری ست مرد دیگری حرام است از او خواستگاری تصریحی کند که صریحا از او بخواهد که بعد از انقضاء عده با هم ازدواج کنیم تصریح در خطبه به اصطلاح آقایان فقها خطبه همون خواستگاریه صریحا بخواد خطبه کند خواستگاری کند زنی را که در حال عدۀ غیر است این حرامه اما تعریضا بطور کنایه صریحا نمیگه بطور کنایه مثلا زن در حال عده است این رفته بعد به او میگه که خوشابحال اون مردی که با تو ازدواج کنه مثلا اینجوری نمیگه حالا صریحا بیا با هم ازدواج کنیم میگه سعادتمند است اون مردی که با تو ازدواج کند این تعریضه تصریح نیست تعریضه.خواستگاری تعریضی اگر در عدۀ رجعیه باشه این هم حرامه یعنی زن در عدۀ طلاق رجعیه.اگر در عدۀ طلاق رجعی باشد اینجور خواستگاری هم حرامه.اما اگر در حال عدۀ غیر رجعی ست عدۀ طلاق بائنه در طلاق رجعی نیست اگر در عدۀ غیر رجعی باشه تلویحا تعریضا عیبی نداره تعریضا حرام نیست پس اگر چنانچه تصریح باشه مطلقا حرامه گفتیم که خواستگاری تصریحی خطبۀ تصریحی نسبت به زنی که در عده است مطلقا حرامه حالا چه در عدۀ رجعی باشه یا غیر رجعی اما خواستگاری تعریضی بطور اشاره و کنایه صریحا نمیگه اگر اینجور باشه در عدۀ رجعی باشه حرامه در عدۀ غیر رجعی حرام نیست اما مطلقا بهرحال اگر حرام هم بوده بعد از اتقضاء عده میشه ازدواج کند این دیگه مُحرِّم نیست کار کار حرامی هست اما مُحَرِّم نیست یعنی تحریم نمی‌کند که بعد از انقضاء عده هم نتواند ازدواج کنه با او نه می‌شود خب گناه کرده در حالی که زن در عدۀ دیگری بوده مثلا ازش خواستگاری کرده خطبه کرده گناه کرده بنابر اون شرطی که عرض شد در عدۀ رجعی بوده تعریضا یا اینکه تصریحا گفته حرام گناه مرتکب شده اما مُحرِّم نشده یعنی اینجور نیست که بعد از انقضاء عده نتواند با او ازدواج کند میشه با او ازدواج کنه اونی که مُحرِّم هست تزویج در حال عده است یعنی مردی زنی که در حال عده است به عقد خودش درآورد تزویج کند عقدش کند با اینکه می‌داند در عده است بخواد عقدش کند هم اون عقد باطله هم مُحرِّمه یعنی حرام ابدی میشه برش که بعد هم نمیشه با او ازدواج کند.اون تزویج در حال عده است تزویج در حال عده هم حرام است و هم محرم ابدیه اما خطبۀ در حال عده خواستگاری در حال عده مُحرِّم نیست مسلّمه مُحرِّم نیست بعد از انقضاء عده میشه با او ازدواج کند اما خود خطبه اش که در حال عده است گفتیم دو جوره اگر تصریحا باشه کار حرامیه گناه کرده و اگر چنانچه تعریضی باشه در عدۀ رجعی حرام است ولی در عدۀ غیر رجعی حرام هم نیست و بهرحال مطلقا مُحرِّم نیست خطبۀ در حال عده مُحرّم نیست یعنی بعد از انقضاء عده میشه با او ازدواج کند.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

أَلَم تَرَ إِلَی رَبِّکَ کَیفَ مَدَّ الظِّلَّ وَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاکِناً ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمسَ عَلَیهِ دَلِیلاً \* ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَینَا قَبْضاً یَسِیراً[[1]](#footnote-1)

در سورۀ فرقان عرض شد که آیات شریفه ای دربارۀ مشرکین بحث هایی داشت و اشکالاتی که اونها داشته اند جواب اون اشکالات بود و خلاصه دربارۀ توحید اصل توحید در سورۀ فرقان آیات زیاد داشتیم که مبارزه با شرک و دعوت به توحید.حالا آیۀ شریفه هم باز چند آیه دنبال هم یه قسمتی از نعمت های بزرگ خدا را نشان می‌دهد که هم جنبۀ نعمتی دارد هم جنبۀ توحیدی و آیتی دارد که آیتی از آیات حکمت و قدرت خدا را نشان می‌دهد که انسان درش بیاندیشد و قدرت و حکمت و علم را در این حوادث ببیند و بعد هم نعمت را بشناسد و منعم را بشناسد و حال شکر و معرفت و محبت درش اضافه بشود حالا از جملۀ اون آیات قدرت مسئلۀ سایه و آفتاب روز و شب باران و ابر و باد اینها همه از نعمت های بزرگ خداست و آیات الهیه هم هست أَلَم تَرَ إِلَی رَبِّکَ کَیفَ مَدَّ الظِّلَّ ندیدی که خدایت چگونه سایه ات را گسترش می‌دهد؟ بعد هم سایۀ گسترش داده را جمعش می‌کند این خودش حسابیه عرض شده ما غالبا چیزهایی می‌بینیم و عادت کرده ایم از اول بچگی دیده ایم تکرار شده از نظر ما خیلی ارزش ندارد مثل اینکه یعنی درش نمی‌اندیشیم پی به ارزش اون نمی‎بریم چون تکرار شده هر مطلبی که مکررا در نظر آدم آمد و رفت اون دیگه ارزش خودش را از دست میده ولذا ما غالبا اینجور هستیم در حوادث زندگیمان در عمرمان حوادث را دیده ایم شنیده ایم شب را روز را بهار و تابستان و زمستان و اینها را می‌بینیم و بطور عادی ازش می‌گذریم وَ کَأَیِّنْ مِن آَیَةٍ [[2]](#footnote-2)تمام آیات آسمانی فِی السَّمَاوَاتِ وَ الأَرضِ یَمُرُّونَ عَلَیهَا وَ هُم عَنْهَا مُعرِضُونَ حالا از جملۀ اون حوادث سایه و شمسه آفتاب و سایه خب خیلی مکرر دیده ایم این را دیگه بنظر ما چیز مهمی نیست ولی همین آیتی ست از آیات الهیه سایه و آفتاب. آفتاب طلوع می‌کند سایۀ اشیاء می‌افتد به سمت مغرب از مشرق که طلوع می‌کند هر چیزی سایه اش به سمت مغرب می‌افته سایه طولانی هم هست هر چه آفتاب بالا میاد این سایه جمع میشه هی کوتاه میشه کوتاه میشه تا موقع زوال ظهر که می‌رسد این سایه در بعضی مناطق منعدم میشه به کلی از بین میره ولی در اکثر مناطق نه به نهایت درجۀ کمی می‌رسد از بین نمیره اون وسط ظهر هم که هست در اون موقع هم باز سایه هم هست یه مقداری از سایه به سمت مغرب هم هست ولی می‌چرخد تا به سمت مشرق می‌افتد چون بعد میگه زوال ظهر شد و آفتاب سمت مغرب زوال پیدا کرد سایه به سمت مشرق می‌افتد از موقع طلوع خورشید به سمت مغربه سایه طولانی هم هست هی جمع میشه کوتاه میشه تا موقع زوال ظهر نهایت درجۀ کوتاهی در مناطق ما اما در بعضی مناطق استوایی منعدم میشه مثلا در مکه ظاهرا در هر سالی در دو روز سایه منعدم میشه یعنی موقع زوال ظهر هر چه را که نگاه کنیم می‌بینیم سایه ندارد در موقع زوال ظهر چون آفتاب بطور مستقیم موازی میشه با شیء یا با اون جسم.وقتی بطور مستقیم موازی شد دیگه سایه ندارد بعد از زوال ظهر دوباره سایه پیدا میشه به سمت مشرق سایه پیدا میشه این مَدَّ الظِّلَّ و قَبضُ الظِّلِّ هست یعنی گسترش میده سایه را دوباره برمی‌چیند تدریجا سایه را می‌گستراند بعد سایه را برمی‌چیند.خودش یه آیتی ست از آیات الهیه. أَلَم تَرَ إِلَی رَبِّکَ کَیفَ مَدَّ الظِّلَّ منتهی سایه عرض شد در نظر ما خیلی فایده ای ندارد ولی برای انسانهای بیابانگرد و صحرا نشین که همیشه در آفتاب هستند خیلی سایه براشان ارزش داره می‌گردند یه درختی یه کوهی که سایه بیفکند در اون سایه استراحت کنند سایه برای اونها قیمت دارد ارزنده است ولی برای ما چیز مهمی نیست ولذا اون شاعر میگه

 سایه خورشید سواران طلب رنج خود و راحت یاران طلب

خورشید سواران ظاهرا برای کشاورزان است کشاورزان توو بیایان کار می‌کنند اینها خورشید سوارند یعنی گویی که بر خورشید سوارند چون سایه ندارند دیگه گویی بر خورشید سوارند مرکب شان خورشیده گاهی آفتاب قبا گفته میشه فلان کس آفتاب قباست یعنی هیچ لباسی جز خورشید ندارد همش در خورشید زندگی می‌کند در آفتاب زندگی می‌کند دیگه قباش آفتابه لباسش آفتابه اینجا همینجور مرکبشان آفتابه انسانهای کشاورز در بیابان کار می‌کنند اینها خورشید سوارند

 سایه خورشید سواران طلب رنج خود و راحت یاران طلب

یعنی آرزو کن اونهایی که در خورشید می‌سوزند به سایه برسند تلاش کن که اونها به سایه برسند و به آسایش و آرامش و راحتی برسند منظور اینکه سایه خیلی ارزش دارد برای انسانهایی که در گرما و آفتاب زندگی می‌کنند و زندگی سوزانی دارند آفتاب سوارند پس این مهمه ولذا آیتی ست نعمت خداست و در عین حال آیتی ست یعنی نشاندهندۀ حسابه یه کسی حسابگری می‌کند در عالم تدریجا سایه را می‌گستراند و تدریجا هم جمع می‌کند و اگر بنا بود دفعی باشد ضرر داشت دفعتا سایه پیدا نمی‌شود دفعتا هم جمع نمی‌شود دفعتا نور پیدا نمیشه دفعتا ظلمت پیدا نمیشه این از روی حسابه دیگه که اگر ناگهان که الان اینجا نور هست خاموش بشه ما ناراحت میشیم چشم ما ناراحت میشه اگر در همون حالی که ظلمته ناگهان روشن بشه خب باز هم ناراحت میشیم اگر تدریجی باشه هی کم کم نور کمرنگ بشه کمرنگ بشه تا تاریک بشه خب این عادت میکنه و برای چشم منفعت داره خداوند جوری تنظیم کرده که نور با تدریج مبدل به ظلمت میشه ظلمت هم با تدریج مبدل به نور میشه که اینجا هم قَبَضْنَاهُ إِلَینَا قَبْضاً یَسِیراً احتمال این هست قبض یسیر یعنی قبض آهسته و تدریجی.تدریجا ما این سایه را قبض می‌کنیم بر می‌چینیم دفعتا اینجور نیست یا قبضا یسیرا احتمال داره که یعنی بطور آسانی برای ما خیلی آسانه برای ما کاری نداره نور را دفعتا تبدیل به ظلمت کنیم یا ظلمت را تبدیل به نور برای ما آسانه قبض و بسط برای ما آسانه یا اینکه تدریجیه پس قَبْضاً یَسِیراً دو احتمال دارد قَبَضْنَاهُ إِلَینَا قَبْضاً یَسِیراً سایه را به قبض یسیر به سمت خود میچینیم بر می‌چینیم یعنی بطور تدریجی یا خیلی راحت و آسان که معونه ای ندارد.حالا این مَدَّ الظِّلَّ که سایه ای گسترده همونی ست که عرض شد سایه ای ست که از صبح پیدا می‌شود از طلوع فجر پیدا میشه تا طلوع شمس یا سایه ای که از طلوع شمس پیدا می‌شود تا زوال ظهر و بعد از ظهر این هر دو محتمله و بعضی هم گفته اند که مراد همون شبه شب از اول غروب تا طلوع آفتاب سایه است دیگه سایۀ نیمکرۀ زمینه نیمکرۀ زمین الان این سایه انداخته شبه اون سمت نیمکره الان روشنه اون سمت الان آفتاب طالع است تو روز زندگی می‌کنند و ما الان در شب زندگی می‌کنیم این سایۀ همین نیمکره است که وقتی زمین موازی با خورشیده این سمتش یه سایۀ مخروطی شکلی دارد که ما الان در همون سایۀ مخروطی شکل زندگی می‌کنیم اون سمت آفتابه صبح که طلوع کرد ما میفتیم به سمت روز اونها میفتند به سمت سایه پس این احتمال هم هست که مَدَّ الظِّلَّ یعنی همون سایه ای که شب را بوجود می‌آورد امتداد دارد تا طلوع شمس و دوباره شمس که طالع شد این سایه به اون سمت میفته خب این حسابه خب همون میشه یعنی نور کمرنگ میشه بله أَلَم تَرَ إِلَی رَبِّکَ کَیفَ مَدَّ الظِّلَّ بهرحال ندیدی نیاندیشیدی در این جریان که چگونه خدای تو سایه را می‌گستراند حالا این سایه همون شب باشه که سایۀ نیمکره است یا مراد بین الطلوعین باشه که از طلوع فجر تا طلوع شمس این سایه هست یه نور کمرنگه دیگه و بهترین وقت هم همونه بهترین اوقات همون وقت بین الطلوعینه نه خیلی نور است و خیره کننده است نه ظلمته ولذا بهشت را فرموده اند تقریبا هواش به همین کیفیته هوای بهشتی هوای بین الطلوعینه و در سورۀ واقعه هم خداوند از نعمت های بهشتی ظل ممدود را حساب کرده وَ أَصحَابُ الیَمِینَ مَا أَصحَابُ الیَمِینَ \* فِی سِدرٍ مَخْضُودٍ \* وَ طَلحٍ منضُودٍ \* وَ ظِلٍّ مَمدُودٍ [[3]](#footnote-3)1 معلوم میشه ظل ممدود یه نعمتیه حالا در دنیا هم داریم منتهی موقته و خیلی بروز اون چنان ندارد ولی در بهشت یکی از نعمت های بهشتی ظل ممدود است سایۀ گسترده است حالا باز ما درست نمی‌فهمیم با اینکه اونجا حالا لَا یَرَونَ فِیهَا شَمساً وَ لَا زَمْهَرِیراً [[4]](#footnote-4)2 شمس هم به اون کیفیت نیست اما حالا سایۀ بهشتی به چه کیفیته ما نمی‌فهمیم همینقدر می‌دانیم که سایه های بهشتی نسبت به سایر اوقاتش یه امتیاز خاصی دارد حالا اون امتیاز چگونه است تا اونجا نرسیم نمی‌فهمیم رو قیامت شو قیامت را ببین.تا در دنیا هستی قیامت را نمی‌بینیم یه شَبَهی از دور چیزی به ذهن ما می‌رسد و الا ما نمی‌فهمیم درست اصلا بهشت و قیامت چجوری هست و سایه اش چجوریه هواش چجوریه ما نمی‌فهمیم به همین مقدار ارائۀ نعمت و ارائۀ قدرت می‌کنند وَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاکِناً اگر می‌خواست قدرت داشت همین سایه را ثابت قرار می‌داد متحرک نبود که گسترده بشه دوباره جمع بشه همیشگی بود دیگه اون همیشگی زیان داشت قدرت می‌توانست این کار را بکند ولی حکمت نمی‌کند از اون نظر که قادر است می‌تواند شب را ثابت نگه بدارد و هیچ آفتاب طلوع نکند ولی چون حکیم است نمی‌کند این کار را.چون حکیم است مقداری شب می‌کند مقداری روز می‌کند این روی حکمته قُل أَرَأَیتُم إِن جَعَلَ اللهُ عَلَیکُمُ النَّهَارَ سَرْمَداً إِلَی یَومِ القِیَامَةِ مَن إِلَهٌ غَیرُ اللهِ یَأْتِیکُم بِضِیَاءٍ أَفَلَا تَسمَعُونَ [[5]](#footnote-5)1 اگر بنا بود ذات اقدس حق شب را بر شما مستمر کند همیشگی کند بود قدرتی در عالم که اون آفتاب رفته را برگرداند؟الان رفته دیگه نیست خورشید دیگه در دسترس ما هست قدرتی بتواند خورشید رفته را برگرداند اگر اون قدرتی که برده دیگه برنگرداند شما چه می‌کنید؟ إِن جَعَلَ اللهُ عَلَیکُمُ النَّهَارَ سَرْمَداً إِلَی یَومِ القِیَامَةِ مَن إِلَهٌ غَیرُ اللهِ یَأْتِیکُم بِضِیَاءٍ أَفَلَا تَسمَعُونَ ، قُل أَرَأَیتُم إِن جَعَلَ اللهُ عَلَیکُمُ النَّهَارَ سَرْمَداً إِلَی یَومِ القِیَامَةِ اگر همش روز بود هیچوقتی شب نمی‌شد اون وقت هیچ قدرتی بود که یَأْتِیکُم بِلَیلٍ تَسکُنُونَ فِیهِ [[6]](#footnote-6)2که شب بیاد درش سکونت کنید آرامش پیدا کنید بود قدرتی؟پس رحمت خدا اینه وَ مِن رَحمَتِهِ جَعَلَ لَکُم اللَّیلَ وَ النَّهَارَ لِتَسکُنُوا فِیهِ وَ لِتَبتَغُوا مِن فَضلِهِ وَ لَعَلَّکُم تَشکُرُونَ [[7]](#footnote-7)3 قدرتش می‌تواند شب را دائمی کند یا روز را دائمی کند اما رحمتش نمی‌کند چون رحمت دارد برای شما هم شب می‌آورد هم روز می‌آورد که شب آرامش پیدا کنید و قوا را تجدید کنید و روز به فعالیت بپردازید لِتَسکُنُوا فِیهِ شب وَ لِتَبتَغُوا مِن فَضلِهِ روز وَ لَعَلَّکُم تَشکُرُونَ . ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمسَ عَلَیهِ دَلِیلاً [[8]](#footnote-8)4و خود خورشید را ما دلیل سایه قرار دادیم که اگر خورشید نبود سایه مفهوم نداشت اصلا می‌فهمیم سایه یعنی چه؟چون خورشید هست می‌فهمیم سایه را اگر نبود نمی‌فهمیدیم اگر نور نبود ظلمت نمی‌فهمیدیم اگر ظلمت نبود نور نمی‌فهمیدیم چون تاریکی می‌بینیم روشنایی را می‌فهمیم چون روشنایی می‌بینیم ظلمت را می‌فهمیم تُعرَفُ الأشیاء بأًضْدادِهَا ولذا هر چه ضد دارد شناخته میشه علت اینکه خدا را غالبا نشناختیم اینه که چون ضد ندارد هر چیزی را از ضدش می‌شناسیم دیگه چون شب آمده فهمیدیم که روز آمده روز رفته شب آمده زمستان می‌رود تابستان می‌فهمیم تابستان میاد زمستان می‌فهمیم چون خدا ضد ندارد غالبا نمی‌فهمیم کور دلانند نسبت به ذات اقدس حق چون همیشه هست نمیشه یه لحظه ای خدا نباشد تا در اون نبودش بفهمیم خدا یعنی چه مثل ماهی ها دیگه چون همیشه در آب هستند نمی‌فهمند آب یعنی چی چون همیشه توو آبند دیگه از آب استقاده می‌کنند و نمی‌فهمند آب یعنی چه وقتی که افتاد رو خشکی می‌فهمد آب یعنی چه ولذا اونوقتی می‌فهمد که کار گذشته دیگه وقتی افتاد رو خاک جان میده در موقع جان دادن می‌فهمد که عجب توو آب بوده نمی‌فهمیده و حالا که در حال جان دادن است می‌فهمد آب چی بوده ولی دیگه اون شناسایی بدرد نمی‌خوره.چون خدا ضد ندارد شناخته هم نمی‌شود حالا چون شمس ضد دارد سایه ضد شمسه ولذا جَعَلْنَا الشَّمسَ عَلَیهِ دَلِیلاً ما شمس را دلیل بر سایه قرار داده ایم ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَینَا قَبْضاً یَسِیراً و بعد هم سایه را ما گفتیم به آسانی یا با تدریج به سمت خود جلب می‌کنیم باز آیات دیگه وَ هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ اللَّیلَ لِبَاساً[[9]](#footnote-9)5 اوست که شب را لباس شما قرار داده اگر لباس ساتر هست و آرامش بخشه دیگه ساتر انسان است عیبها را می‌پوشاند کسی حاضر نیست عریان بیاد توو مردم ساتر دارد و هم آسایش میده از سرما از گرما آدم را حفظ می‌کند دیگه شب چنین است شب هم ساتر است عیبها را می‌پوشاند کارهایی که انسان مایل نیست در روز انجام بدهد در ظلمت شب انجام می‌دهد و هم اینکه آسایش می‌بخشه هم ساتریت دارد هم آرام بخش وَ هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ اللَّیلَ لِبَاساً وَ النَّوْمَ سُبَاتاً [[10]](#footnote-10)1 و خواب را برای شما تعطیل کنندۀ فعالیت ها قرار داده چون سُبات یعنی قطع و تعطیل کردن چیزی اگر روز شنبه را یوم السبت می‌گویند برای اینکه در برنامۀ کار یهود این بوده که روزهای شنبه تعطیل می‌کردند چون روز شنبه تعطیلی اونها بود و فعالیت ها ترک میشد روز شنبه را یوم السبت گفته اند پس سُبات یعنی تعطیل شدن کار و آرامش اصلا انسان وقتی می‌خوابد خواب سُباته تعطیل می‌کند دیگه تمام قوا از کار می‌افتد آدم وقتی خوابید فقط قلب دارد کار می‌کند و تنفس دارد کار می‌کند دستگاه هضم خیلی آرامتر کار می‌کند در خواب بعضی قوا مشغول کارند قلب در حال کاره و تنفس در حال کاره اما آرامتر تا قوا تجدید بشود ولذا سایر قسمت ها از کار می‌افتد وَ النَّوْمَ سُبَاتاً وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُوراً [[11]](#footnote-11)2 روز که می‌شود مثل قیامتی رستاخیز برپا میشه دیگه روز که شد دیگه همۀ موجودات به کار می‌افتند دیگه حیوانها از لانه ها بیرون میان انسان ها از خانه ها بیرون میان یه محشری برپا می‌شود و یوم النشور درست میشه ولذا هر روز یوم النشور میشه خورشید که طلوع می‌کند تمام انسان ها و حیوان ها به کار مشغول می‌شوند شب که می‌شود شیپور خاموشی در عالم می‌دمند و همه دارن رو به آرامش و خواب می‌روند دیگه حیوانات به لانه هاشان می‌روند انسان ها به خانه هایشان بله انسان حریص در شب هم مشغول کار میشه اونهایی که خیلی حرص داشته باشند شب ها مشغول کارند وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُوراً ولذا رسول اکرم وقتی از خواب بیدار میشد الحَمدُ لِلّهِ الَّذِی اَحْیَانِی بَعدَ مَا اَمَاتَنِی وَ إِلَیهِ النُّشُورُ [[12]](#footnote-12)3 خدا را حمد می‌کنم که ما را میراند و دوباره زنده ام کرد چون خود النّوم أخ الموت دیگه خوابیدن برادر مرگه وقتی آدم خوابید مثل اینه که مرده است دیگه انگار مردۀ موقته چند ساعته می‌میرد دوباره از خواب برمی‌خیزد اما یک وقت می‌میرد دیگه برنمی‌خیزد دیگه بعد از هفتصد سال و هزار سال و چند هزار سال تا شیپور نفخ صور دمیده شود و همه از قبر برخیزند ولذا در طول عمر ما هر شب خداوند مرگ و حیات را نشان میده مردن و زنده شدن هفت ساعت میمیری دوباره زنده می‌شوی همینجور هی هر شب شما را می‌خوابانند زنده تان می‌کنند می‌خوابانند بیدارتان می‌کنند یک شب شما را می‌خوابانند دیگه بیدارتان نمی‌کنند دیگه تا نفخ صور بشود دیگه اون روز خواهی گفت عجب مرا برگردان به دنیا کار انجام بدم جواب میدیم أَوَ لَم نُعَمِّرکُم مَا یَتَذَکَّرُ فِیهِ مَن تَذَکَّر [[13]](#footnote-13)4 به شما یک عمر ندادم هفتاد سال شصت سال پنجاه سال هی خواباندم بیدار کردم خواباندم بیدار کردم هی خواستم بفهمانم یه چنین جریانی هست مردن و بیدار شدن خوابیدن و بیدار شدن مردن و زنده شدن هست نفهمیدی أَوَ لَم نُعَمِّرکُم مَا یَتَذَکَّرُ فِیهِ مَن تَذَکَّر بهرحال این هم جملۀ این آیۀ شریفه که هم شب را لباس قرار دادیم و هم خواب را وسیلۀ آسایش شما و روز را وسیلۀ کار قرار دادیم که وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُوراً که برمی‌خیزید افراد منتشر می‌شوند در صحنۀ اجتماع یا روح منتشر می‌شود در سرتاسر بدن و مشغول کار میشه این هم آیۀ شریفه.

خب ایام هم ایام هم تولی داریم هم تبری داریم دیگه یعنی ما هم باید محبت خاندان عصمت را در دل زنده نگه داریم هم برائت از دشمنان اونها را. یکی از دشمن ها که امروز روز مرگش بوده است و ما از این جهت خوشحالیم و ما از عمق جان میگیم اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد و آخر تابع له علی ذلک خداوند لعنت کند لحظه به لحظه بر درکات اون کسانی بیافزاید که از روز اول باب ظلم و ستم را به در خانۀ اهل بیت علیهم السلام گشودند و دست ظالمان را به روی اونها باز کردند و خداوند واقعا بر درکات اون آدمی که هر چه هست از گور او برمی‌خیزد و خودشان را نزدیک کردند به پیغمبر اکرم ولی در همون حال هم عذاب خدا برشان لحظه به لحظه نازل می‌شود صرف نزدیک بودن قبرشان به قبر رسول اکرم که اثری برای اونها نخواهد داشت بلکه بر عذابشان خواهد افزود دیگه

پروردگارا به حرمت مولی المتقین علی علیه السلام لحظه به لحظه بر محبت ما نسبت به اون حضرت بیافزای

و لحظه به لحظه بر دشمنی ما بغض ما عداوت ما نسبت دشمنانشان مخصوصا دومی بیافزای

اللهم العنهم لعنا وبیلا

و عذبهم عذابا الیما

واحشرهم و اتباعهم الی جهنم زمرا

پروردگارا به حرمت امام عصر در فرجش تعجیل بفرما

حسن عاقبت به همۀ ما عنایت بفرما

نسل ما را محب اهل بیت و مبغض دشمنانشان قرار بده

رحم الله من قرء فاتحة مع الصلوات

1. . سورۀ فرقان، آیات 45 و 46 [↑](#footnote-ref-1)
2. . سورۀ یوسف، آیۀ 105 [↑](#footnote-ref-2)
3. 1 .سورۀ واقعه، آیات 27 الی 30 [↑](#footnote-ref-3)
4. 2. سورۀ انسان، آیۀ 13 [↑](#footnote-ref-4)
5. 1.سورۀ قصص، آیۀ 71 [↑](#footnote-ref-5)
6. 2. سورۀ قصص، آیۀ 72 [↑](#footnote-ref-6)
7. 3. سورۀ قصص، آیۀ 73 [↑](#footnote-ref-7)
8. 4. سورۀ فرقان، آیۀ 45 [↑](#footnote-ref-8)
9. 5. سورۀ فرقان، آیۀ 47 [↑](#footnote-ref-9)
10. 1. سورۀ فرقان، آیۀ 47 [↑](#footnote-ref-10)
11. 2. همان [↑](#footnote-ref-11)
12. 3. بحار الانوار، ج 76، ص 218 [↑](#footnote-ref-12)
13. 4.سورۀ فاطر، آیۀ 37 [↑](#footnote-ref-13)